

«هوالحکیم»

عنوان:

نظریه‌ی حرکت در جوهر



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ بْنِ زَيْدٍ



『@SERATEHAGHI』

حرکت در جوهر يك حرکتی هست که در هر حال در نگاه
مرحوم آخوند ملاصدرا که از اصول یازده گانه‌ی اسفارش هم
هست،

می‌گه این نفس شما از اول همون نطفه‌ای که هست همون نطفه
و همین که تبدیل می‌شه به مراتب مختلف تا به جنین می‌رسه،
این مرتبه‌هایی رو که داره طی می‌کنه و بعد از اون، این نفسش
داره صیوروت پیدا می‌کنه، اشتداد وجودی داره پیدا می‌کنه، تا به
مرتبه‌ای می‌رسه که به مرتبه‌ی تام و تمام می‌رسه. حالا واقعاً در
این دنیا به مجرد تام و تمام می‌رسن، بعضی‌ها گفتن نه!

یکی دو نفر مثلاً شاید در هر دوره‌ای به مجرد تام و تمام برسن،
بقیه در عالم برزخ هست که این حرکت اشتدادی و حرکت در
جوهر ادامه پیدا می‌کنه، ولی بالاخره همه به اون مجرد تام و تمام
می‌رسن. خب این نکته‌ای هست که آیا حرکت در جوهر، يك
نظریه‌ی درستی هست یا نه؟ این خودش يك بحثی هست! آیا
ممکنه که يك شیء مادی در بطن و کتمش چنان صیوروت و
حرکت، حرکت ذاتی غالب باشد که این شیء مادی، کم به کم به
تجرد نسبی و به مجرد تامه برسه؟

یعنی فرض کنید که الان این جسم دارای جهات ثلاثه‌ی طول و عرض و ارتفاع و عمق هست، دارای حجم هست، دارای وزن هست، اما آگه به مجرد برسه همهی این‌ها رو از دست می‌ده، اما هست! آیا این حرکت در جوهر، حرکت استکمالی از ماده به مجرد، نظریه‌ی درستی هست یا نه؟ این خودش فی حد نفسه محل بحث هست. حرکت در جوهر، حرکت ذاتی درونی اشیاء مادی‌ست، که منشأ تمام این حرکات ظاهری پدیده‌ها و موجب تغییر در ذات و جوهر شیء رو این می‌دونن. حتی مثلاً در نظریه‌ی حرکت مرحوم آخوند ملاصدرا، بالاخره کسانی که حرکت در جوهر هم قبول نداشتند مثل ابن‌سینا، چهار حرکت رو پذیرفتن؛ تمام فیلسوفان ما چهار حرکت رو پذیرفتن؛ این هم حرکت در اعراض هست، حرکت در این هست، این دستم این‌جاست می‌برم این‌جا، این ماشین از این‌ور به اون‌ور می‌ره؛ این می‌شه حرکت در این. حرکت در وضع هست؛ یک فرفره‌ای رو می‌چرخونم، این کره‌ی زمین به حول خودش داره می‌چرخه؛ این حرکت در وضع هست. حرکت در کم هست؛ فرض بکنید که یک نهال تبدیل به یک درخت تنومند می‌شه.

حرکت در کیف هست؛ فرض بکنید که يك هلوی نارس سبز تبدیل به يك هلوی قرمز می‌شود؛ کیفش، رنگش تغییر می‌کند. این چهار حرکت رو هم مشاء پذیرفتن اشراق پذیرفته هم حکمت متعالیه. اما مرحوم آخوند ملاصدرا می‌گوید که ما حرکت دیگه‌ای هم قبول داریم، حرکت در جوهر هست، و می‌گوید ما عامل تمام این حرکت‌های عرضی رو حرکت در جوهر داریم برمی‌گردونیم؛ ابن‌سینا این رو قبول نداره. ابن‌سینا به شاگردش بهمینار می‌گوید که اگر واقعاً حرکت در جوهر باشه، من ابن‌سینا که الان دارم صحبت می‌کنم، لحظه‌ی قبل با الان با لحظه‌ی بعدم، آن به آن من دیگه نیستم! يك ابن‌سینای جدیدی هست! دیگه ابن‌سینایی نیست! هر آن يك شیئی است! لذا ایشان می‌گوید تشخیص تغییر می‌کند، ذات که تغییر بکند، جوهر که تغییر بکند، تشخیص تغییر می‌کند؛ تشخیص که تغییر بکند درست نیست. خب ایشان نگاه‌های مختلفی رو مطرح کرده، با این که اون موقع هنوز حرکت در جوهر به اوج خودش نرسیده بود، اما همون‌جا وجه حرکت در جوهر رو مطرح می‌کند و نقد می‌کند. بعدها مرحوم آخوند ملاصدرا می‌اد حرکت در جوهر رو تثبیت می‌کند و مطالب مشایین رو مورد نقد قرار می‌ده.